

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده مطالعات قرآنی
گروه علوم قرآن و حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث

عنوان پایان نامه:

سیر تغییر معنایی واژه‌های معروف و منکر در تفاسیر و ترجمه‌های

منتخب فارسی از قرن ۱۰ تا ۱۵ هجری قمری

استاد راهنما:

دکتر مریم قبادی

استاد مشاور:

دکتر فروغ پارسا

پژوهشگر:

فرشته شاه‌نظری زازرانی

مهر ماه ۱۳۹۷

تقدیر و سپاس

از استاد راهنما دکتر مریم قبادی و مشاور پایان نامه دکتر فروغ پارسا

و عزیزان دیگری که در تدوین این اثر نگارنده را

یاری نمودند.

تقدیم به

مولا و ولی نعمتمان؛ آنکه همه برکات و خیرات از سمت اوست،

قطب عالم امکان، حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه

الفدا.

چکیده

یکی از زوج‌های واژگانی قرآن کریم که مبنای برخی احکام فقهی قرار گرفته، واژه‌های "معروف" و "منکر" است. هر چند کاربرد واژه معروف بسی گسترده تر از واژه منکر است.

عالمان و مفسران برای این واژه‌ها به سان بسیاری از واژگان کلیدی قرآن کریم در گذر زمان معانی مختلفی را بر گفته‌اند. گاه دایره‌ی معنایی آن را ضیق و تنگ گرفته و گاه دیگر بر وسعت آن بی‌حساب افزوده‌اند. ظاهراً مبنای هر یک از آنان در این نگاه‌ها، بحث‌های لغوی و معانی لغوی واژه‌ها بوده است. مروری بر کتاب‌های لغت گستره‌ی معنایی وسیعی را برای واژه معروف نمایان می‌سازد. اما این که چرا مفسران در هر دوره به یکی از این معانی تمرکز می‌کرده و بقیه را رها ساخته‌اند، موضوع اصلی این پژوهش است. یکی از کاربردهای واژه (معروف و منکر) در قرآن در بیان حکم فقهی "امر به معروف و نهی از منکر" است؛ ولی در قرآن هیچ مصداقی برای آنها ذکر نشده است. باید دید مفسران قرون (۱۰ تا ۱۵) چه مصداقی برای این آیات ارائه کرده‌اند؟ این پژوهش سعی دارد تا با کمک روش معنی‌شناسی تاریخی که یکی از انواع روش‌های زبان‌شناسی است، به بررسی و مطالعه چگونگی بازتاب معنای واژه‌های معروف و منکر در تفاسیر و ترجمه‌های منتخب فارسی در بازه‌ی زمانی قرون ۱۰ تا ۱۵ بپردازد تا امکان ترسیم سیر تغییر معنایی این واژه‌ها فراهم آید.

این نوشتار با جستاری در ۲۴ تفسیر و ترجمه فارسی قرآن کریم از قرون ۱۰ تا ۱۵ و با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی در پی بیان این است که برابرنهاده‌های این دو واژه در طی این گستره زمانی، چه تغییرات معنایی داشته‌اند.

نتایج این پژوهش بیانگر آن است که، برابرنهاده‌های واژه معروف در قرن دهم ۴ مورد بوده است. این واژه در قرن یازدهم، تضییق معنایی داشته است. در قرن چهاردهم، شاهد تضییق معنایی و توسیع معنایی بودیم و این واژه در قرن پانزدهم، توسیع معنایی داشته است.

برای همین واژه در ترجمه‌های قرن دهم، ۲ برابرنهاده ذکر شده است. این واژه در قرن یازدهم، هم تضییق معنایی و هم توسیع معنایی داشته است. در قرن چهاردهم و پانزدهم، شاهد توسیع معنایی در برابرنهاده‌های این واژه بوده‌ایم.

واژه منکر در تفاسیر قرن یازدهم هم تضییق معنایی و هم توسیع معنایی داشته است و در قرن چهاردهم و پانزدهم فقط گسترش معنایی داشته است.

همین واژه در ترجمه‌های قرن ۱۴-۱۰ گسترش معنایی داشته است ولی در قرن پانزدهم تضییق معنایی داشته است.

واژه‌های کلیدی: معروف، منکر، تفاسیر فارسی، ترجمه‌های فارسی، تغییر معنایی.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
فصل اول: کلیات و مفاهیم.....	۱
۱-۱. کلیات.....	۲
۱-۱-۱. طرح مسأله.....	۲
۱-۱-۲. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش.....	۳
۱-۱-۳. اهداف پژوهش.....	۳
۱-۱-۴. سوال های پژوهش.....	۳
۱-۱-۵. فرضیه های پژوهش.....	۴
۱-۱-۶. پیشینه پژوهش.....	۴
۱-۱-۷. روش انجام پژوهش.....	۵
۱-۲. مفاهیم پژوهش.....	۵
۱-۲-۱. چیستی «معنا» و «معناشناسی».....	۵
۱-۲-۲. کارکرد و هدف معناشناسی.....	۶
۱-۲-۳. شاخه های معناشناسی.....	۷
۱-۲-۴. واحدهای مطالعه معنا.....	۸
۱-۲-۵. تغییر معنایی.....	۹
۱-۳. معنی لغوی و اصطلاحی معروف.....	۱۰
۱-۳-۱. معنی لغوی معروف.....	۱۱
۱-۳-۲. معنی اصطلاحی معروف.....	۱۳
۱-۴. معنی لغوی و اصطلاحی منکر.....	۱۴
۱-۴-۱. معنی لغوی منکر.....	۱۴
۱-۴-۲. معنی اصطلاحی منکر.....	۱۵
۱-۵. وضعیت تفسیر در شرایط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی قرون ۱۰ تا ۱۵.....	۱۵

- ۱۵ ۱-۵-۱. وضعیت تفاسیر قرن دهم.
- ۱۶ ۱-۵-۲. قرن یازدهم.
- ۱۷ ۱-۵-۳. قرن دوازدهم.
- ۱۷ ۱-۵-۴. قرن سیزدهم.
- ۱۸ ۱-۵-۵. قرن چهاردهم.
- ۱۹ ۱-۵-۶. قرن پانزدهم.
- ۱۹ ۱-۶-۱. وضعیت ترجمه قرآن از سده نخست تا سده ۱۵.
- ۲۰ ۱-۶-۱-۱. ترجمه قرآن در سده نخست.
- ۲۰ ۱-۶-۲. سده دوم.
- ۲۰ ۱-۶-۳. سده سوم.
- ۲۱ ۱-۶-۴. سده چهارم.
- ۲۱ ۱-۶-۵. سده پنجم.
- ۲۲ ۱-۶-۶. سده ششم.
- ۲۲ ۱-۶-۷. سده هفتم.
- ۲۳ ۱-۶-۸. سده هشتم.
- ۲۳ ۱-۶-۹. سده نهم تا دوازدهم.
- ۲۳ ۱-۶-۱۰. سده چهاردهم.
- ۲۷ فصل دوم: معرفی تفاسیر و ترجمه‌های منتخب فارسی قرن ۱۰ تا ۱۵ هجری قمری.
- ۲۸ ۲-۱. معرفی تفاسیر و ترجمه‌های منتخب قرون ۱۰ تا ۱۵.
- ۲۸ ۲-۱-۱. تفاسیر و ترجمه‌های فارسی قرن ۱۰.
- ۳۰ ۲-۱-۲. تفسیر قرن یازدهم.
- ۳۱ ۲-۱-۳. ترجمه قرن دوازدهم.
- ۳۲ ۲-۱-۴. تفاسیر و ترجمه‌های فارسی قرن چهاردهم.
- ۳۴ ۲-۱-۵. تفاسیر و ترجمه‌های فارسی قرن ۱۵.

- فصل سوم: بررسی واژه معروف در تفاسیر و ترجمه‌های منتخب فارسی قرن ۱۰ تا ۱۵ هجری قمری..... ۴۱
- ۳-۱. بررسی واژه‌ی معروف در تفاسیر منتخب فارسی از قرن ۱۰ تا ۱۵..... ۴۲
- ۳-۱-۱. بررسی واژه‌ی معروف در تفاسیر منتخب فارسی قرن دهم..... ۴۲
- ۳-۱-۲. بررسی واژه‌ی معروف در تفسیر منتخب فارسی قرن یازدهم..... ۵۰
- ۳-۱-۳. بررسی واژه‌ی معروف در تفاسیر منتخب فارسی قرن چهاردهم..... ۵۳
- ۳-۱-۴. بررسی واژه‌ی معروف در تفاسیر منتخب فارسی قرن پانزدهم..... ۵۷
- ۳-۲. بررسی واژه‌ی معروف در ترجمه‌های منتخب فارسی از قرن ۱۰-۱۵..... ۷۸
- ۳-۲-۱. بررسی واژه‌ی معروف در ترجمه فارسی قرن دهم..... ۷۸
- ۳-۲-۲. بررسی واژه‌ی معروف در ترجمه فارسی قرن دوازدهم..... ۸۰
- ۳-۲-۳. بررسی واژه‌ی معروف در ترجمه فارسی قرن چهاردهم..... ۸۳
- ۳-۲-۴. بررسی واژه‌ی معروف در ترجمه‌های منتخب فارسی قرن پانزدهم..... ۸۹
- فصل چهارم: بررسی واژه‌ی منکر در تفاسیر و ترجمه‌های قرون ۱۰ تا ۱۵ هجری قمری..... ۱۱۱
- ۴-۱. بررسی آیات منکر در تفاسیر منتخب فارسی از قرن ۱۰ تا ۱۵..... ۱۱۲
- ۴-۱-۱. بررسی آیات منکر در تفاسیر فارسی قرن دهم..... ۱۱۲
- ۴-۱-۲. بررسی آیات منکر در تفسیر فارسی قرن یازدهم..... ۱۱۶
- ۴-۱-۳. بررسی آیات منکر در تفاسیر فارسی قرن چهاردهم..... ۱۱۸
- ۴-۱-۴. بررسی آیات منکر در تفاسیر فارسی منتخب قرن پانزدهم..... ۱۲۱
- ۴-۲. بررسی آیات منکر در ترجمه‌های منتخب فارسی از قرن ۱۰-۱۵..... ۱۳۱
- ۴-۲-۱. بررسی آیات منکر در ترجمه فارسی قرن دهم..... ۱۳۱
- ۴-۲-۲. بررسی آیات منکر در ترجمه فارسی قرن دوازدهم..... ۱۳۳
- ۴-۲-۳. بررسی آیات منکر در ترجمه‌های فارسی قرن چهاردهم..... ۱۳۵
- ۴-۲-۴. بررسی آیات منکر در ترجمه‌های فارسی قرن پانزدهم..... ۱۴۰

فهرست جداول

عنوان	صفحه
جدول ۱-۳. واژه معروف در تفسیر ترجمه الخواص	۴۳
جدول ۲-۳. واژه معروف در تفسیر شاهی	۴۶
جدول ۳-۳. واژه معروف در منهج الصادقین	۴۸
جدول ۴-۳. واژه معروف در تفسیر لاهیجی	۵۱
جدول ۵-۳. واژه معروف در تفسیر صفی علی شاه	۵۴
جدول ۶-۳. واژه معروف در تفسیر پرتوی از قرآن	۵۶
جدول ۷-۳. واژه معروف در تفسیر مخزن العرفان	۵۹
جدول ۸-۳. واژه معروف در تفسیر روان جاوید	۶۲
جدول ۹-۳. واژه معروف در تفسیر نمونه	۶۶
جدول ۱۰-۳. واژه معروف در تفسیر راهنما	۶۹
جدول ۱۱-۳. واژه معروف در تفسیر نور	۷۲
جدول ۱۲-۳. برابر نهاده های معروف در تفاسیر منتخب قرن ۱۰-۱۵	۷۵
جدول ۱۳-۳. واژه معروف در ترجمه قرن دهم	۷۹
جدول ۱۴-۳. واژه معروف در ترجمه دهلوی	۸۱
جدول ۱۵-۳. واژه معروف در ترجمه قرآن عظیم	۸۳
جدول ۱۶-۳. واژه معروف در ترجمه الهی قمشه ای	۸۶
جدول ۱۷-۳. واژه معروف در ترجمه بروجردی	۸۸
جدول ۱۸-۳. واژه معروف در ترجمه پاینده	۹۰
جدول ۱۹-۳. واژه معروف در ترجمه معزی	۹۲
جدول ۲۰-۳. واژه معروف در ترجمه فولادوند	۹۴

- جدول ۳-۲۱. واژه معروف در ترجمه مشکینی ۹۶
- جدول ۳-۲۲. واژه معروف در ترجمه مکارم ۹۹
- جدول ۳-۲۳. واژه معروف در ترجمه آیتی ۱۰۱
- جدول ۳-۲۴. واژه معروف در ترجمه کاویانپور ۱۰۳
- جدول ۳-۲۵. واژه معروف در ترجمه گرمارودی ۱۰۵
- جدول ۳-۲۶. برابر نهاده‌های معروف در ترجمه های منتخب قرن ۱۰-۱۵ ۱۰۸
- جدول ۴-۱. واژه منکر در تفسیر ترجمه الخواص ۱۱۳
- جدول ۴-۲. واژه منکر در تفسیر شاهی ۱۱۴
- جدول ۴-۳. واژه منکر در تفسیر منهج الصادقین ۱۱۵
- جدول ۴-۴. واژه منکر در تفسیر لاهیجی ۱۱۷
- جدول ۴-۵. واژه منکر در تفسیر صفی علی شاه ۱۱۹
- جدول ۴-۶. واژه منکر در تفسیر پرتوی از قرآن ۱۲۰
- جدول ۴-۷. واژه منکر در تفسیر مخزن العرفان ۱۲۱
- جدول ۴-۸. واژه منکر در تفسیر روان جاوید ۱۲۳
- جدول ۴-۹. واژه منکر در تفسیر نمونه ۱۲۵
- جدول ۴-۱۰. واژه منکر در تفسیر راهنما ۱۲۶
- جدول ۴-۱۱. واژه منکر در تفسیر نور ۱۲۷
- جدول ۴-۱۲. برابر نهاده های منکر در تفاسیر منتخب قرن ۱۰-۱۵ ۱۲۹
- جدول ۴-۱۳. واژه منکر در ترجمه قرن دهم ۱۳۲
- جدول ۴-۱۴. واژه منکر در ترجمه دهلوی ۱۳۴
- جدول ۴-۱۵. واژه منکر در ترجمه قرآن عظیم ۱۳۵
- جدول ۴-۱۶. واژه منکر در ترجمه الهی قمشه ای ۱۳۷

- جدول ۴-۱۷. واژه منکر در ترجمه بروجردی ۱۳۹
- جدول ۴-۱۸. واژه منکر در ترجمه پاینده ۱۴۰
- جدول ۴-۱۹. واژه منکر در ترجمه معزی ۱۴۱
- جدول ۴-۲۰. واژه منکر در ترجمه فولادوند ۱۴۳
- جدول ۴-۲۱. واژه منکر در ترجمه مشکینی ۱۴۴
- جدول ۴-۲۲. واژه منکر در ترجمه مکارم ۱۴۵
- جدول ۴-۲۳. واژه منکر در ترجمه آیتی ۱۴۷
- جدول ۴-۲۴. واژه منکر در ترجمه کاویان پور ۱۴۹
- جدول ۴-۲۵. واژه منکر در ترجمه گرمارودی ۱۵۱
- جدول ۴-۲۶. برابر نهاده های واژه منکر در ترجمه های منتخب قرن ۱۰-۱۵ ۱۵۲

پیشگفتار

برای دانستن معنای واژه‌های قرآن، راه‌های مختلفی وجود دارد که ساده‌ترین و متداول‌ترین راه‌ها، جستجوی معنای واژه در منابع لغوی است و اینکه محقق یکی از واژه‌های معادل و هم‌معنای آن را در زبان خود بیابد. به عنوان مثال واژه "کافر" را "بی ایمان"، "ذنب" را "گناه"، "معروف" را "خوب" و "منکر" را "بد" معنا کند. با اندکی تأمل، می‌توان تصدیق کرد، این به ظاهر نزدیک‌ترین معادل‌ها، به هیچ روی رساننده‌ی معنای تام و تمام واژه‌ها در همه‌ی زبان‌ها به ویژه در زبان عربی نیستند. بر این اساس، فهم پیام قرآن در گرو ملاحظه معنای هر واژه در ساختار و نظامی است که آن واژه در آن نظام خاص به کار رفته است.

امروزه دستیابی به معنای واژه‌ها در قرآن کریم، مستلزم استفاده از روش‌های مختلف معنا شناسی است. یکی از این روش‌ها، روش معنا شناسی تاریخی است که در سطحی از آن، تغییرات معنای واژه، در زمانی معین مورد مطالعه قرار می‌گیرد. کارکرد اصلی معناشناسی تاریخی تحلیل رابطه لفظ با معنا و تحولات این رابطه در گذر زمان است.

با این فرض که دامنه‌ی معنایی واژه‌های قرآن در جاری زمان، در حال توسعه و گسترش است؛ این پژوهش، با هدف تبیین تحولات معنایی (گسترش و توسعه‌ی معنایی یا در مقابل، تخصیص و تضییق معنایی) واژه‌ی «معروف» و «منکر» این روند را در گستره‌ی تفاسیر و ترجمه‌های منتخب فارسی قرن ۱۰ تا ۱۵ پی گرفته و البته کوشیده است زمینه‌ها، علل و عوامل این تغییرات را نیز ملاحظه و بررسی کند.

در قرن دهم هجری قمری با روی کار آمدن حکومت صفوی، مذهب تشیع رسمی شد و بسیاری از عالمان مسلمان از اقصاء نقاط جهان به ایران آمدند و نوشتن تفاسیر فارسی قرآن افزایش یافت. به همین دلیل به بررسی تفاسیر و ترجمه‌های قرن دهم و تفاسیر و ترجمه‌های منتخب قرون بعدی پرداختم تا مشخص شود که آیا برای این دو واژه طی این قرون تغییر معنایی رخ داده است؟ در صورت تغییر، فرایند آن چگونه است؟

به این منظور، با مروری بر معنای واژگان کلیدی موضوع، معنای لغوی و اصطلاحی «معروف» و «منکر» در منابع لغوی، به بررسی سیر تحول برداشت مفسران و معادل‌های مترجمان در منابع تفسیری و ترجمه‌های یادشده در دو بخش، پرداخته است؛ تا امکان ترسیم روند این تغییرات و زمینه تحلیل آن‌ها را فراهم سازد. این فرایند، عملاً به نوعی ارزیابی ترجمه‌ها و تفاسیر مورد مطالعه نیز خواهد بود.

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱. کلیات

در ابتدا برای معرفی این پژوهش به ذکر کلیاتی از طرح مسأله پژوهش، اهمیت و ضرورت پژوهش و اهداف آن و همچنین سوال ها و فرضیه‌ها و... می‌پردازیم.

۱-۱-۱. طرح مسأله

یکی از زوج‌های واژگانی قرآن کریم که مبنای برخی احکام فقهی قرار گرفته، واژه‌های "معروف" و "منکر" است. هر چند کاربرد واژه معروف بسی گسترده‌تر از واژه منکر است.

عالمان و مفسران برای این واژه‌ها به سان بسیاری از واژگان کلیدی قرآن کریم در گذر زمان معانی مختلفی را برگفته‌اند. گاه دایره‌ی معنایی آن را ضیق و تنگ گرفته و گاه دیگر بر وسعت آن بی حساب افزوده‌اند.

ظاهراً مبنای هر یک از آنان در این نگاه‌ها، بحث‌های لغوی و معانی لغوی واژه‌ها بوده است.

مروری بر کتاب‌های لغت گستره‌ی معنایی وسیعی را برای واژه معروف نمایان می‌سازد. اما این که چرا مفسران در هر دوره به یکی از این معانی تمرکز می‌کرده و بقیه را رها ساخته‌اند، موضوع اصلی این پژوهش است. بدین معنا که با مطالعه تفاسیر و ترجمه‌های موجود و برجامانده از قرون ۱۵ تا ۱۰ می‌کوشد نوع نگاه این مفسران و مترجمان را به این دو واژه مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

در این تحلیل، چندین فرضیه قابلیت طرح دارد؛ اول- مفسران و مترجمان به عنوان طبقه‌ی آگاه از نیازهای مردم، در صدد پاسخگویی به این نیازها آیات قرآن را تفسیر یا ترجمه کرده‌اند. (مفسران مستقل) دوم- رهبران و حاکمان در هر دوره جهت دهنده اصلی به برخی تفاسیر و ترجمه‌ها بوده و هستند. این تفاسیر آئینه تمام نمای اراده‌ی حاکمیت‌ها هستند. سوم- نمی‌توان منکر شد که گاه تفاسیر یا ترجمه‌ها در تقابل با قرائت یا گفتمان حاکم شکل گرفته یا می‌گیرند.

بی تردید یافتن شواهد و قرائنی برای این ادعا نیازمند مطالعه و بررسی تفاسیر موجود از این شش قرن است و این پژوهش خواهد کوشید در حد توان این فرضیه‌ها را به آزمون بگذارد تا معلوم شود چه عواملی تغییرات معنایی این واژه‌ها مؤثر بوده است.

آیا مفسران با توجه به ابعاد فقهی، اجتماعی، فرهنگی و... این واژه‌ها را دیده و بر اساس آن آیات را تفسیر کرده اند؟ چه عواملی (سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و...) در نوع نگاه و تفسیر مفسران مختلف (عرفانی، فقهی، اجتماعی و...) مؤثر بوده است؟

برای مثال، یکی از کاربردهای واژه (معروف و منکر) در قرآن در بیان حکم فقهی "امر به معروف و نهی از منکر" است؛ ولی در قرآن هیچ مصداقی برای آنها ذکر نشده است. باید دید مفسران قرون (۱۵ تا ۱۰) چه مصادیقی برای این آیات ارائه کرده‌اند؟ اساساً به این فریضه الهی چگونه نگریسته و آن را برای مردم تشریح کرده‌اند؟

۲-۱-۱. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

ارائه این پژوهش به دلایل زیر حائز اهمیت می‌باشد:

۱- آشنایی با دیدگاه‌های بعضی از مترجمان و مفسران قرون (۱۰ تا ۱۵) درباره‌ی مفاهیم دو واژه کلیدی معروف و منکر

۲- آشنایی و تشریح تغییرات معنایی این واژه‌ها در آن بازه زمانی در اثر تحولات سیاسی

۳-۱-۱. اهداف پژوهش

۱- دستیابی به معنایی از واژه‌های "معروف" و "منکر" در نظر بعضی از مفسران و مترجمان قرن ۱۰ تا ۱۵

۲- آشنایی با روند تغییرات معنایی این واژه‌ها در بعضی از متون ترجمه و تفسیری قرن ۱۰ تا ۱۵

۳- بررسی و ملاحظه‌ی عوامل اثرگذار بر سیر این تغییرات

۴-۱-۱. سوال های پژوهش

۱- مفسران و مترجمان قرن ۱۰ تا ۱۵ "معروف" و "منکر" را چگونه دیده، تفسیر و ترجمه کرده‌اند؟

۲- تغییرات در معنای واژه‌های "معروف" و "منکر" در قرن ۱۰ تا ۱۵ چه گستره‌هایی را شامل می‌شود؟

۳- چه عواملی در این تغییرات اثرگذارند؟

۵-۱-۱. فرضیه‌های پژوهش

۱- مفسران و مترجمان قرن ۱۰ تا ۱۵ برای واژه "معروف" در قرون مختلف و بر اثر شرایط فرهنگی و اجتماعی و ... برابر نهاده‌های متنوعی از جمله (نیکی کردن، اخلاق نیکو، روش پسندیده و ...) در نظر گرفته‌اند و برای واژه "منکر" برابر نهاده‌های متعددی از جمله (زشت و ناپسند، شرک و تکذیب پیامبر و ...) بیان کرده‌اند.

۲- واژه‌های معروف و منکر در تفاسیر و ترجمه‌های قرون مذکور دچار گسترش معنایی شده‌اند.

۳- این تحولات معنایی در نتیجه تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بوده است.

۶-۱-۱. پیشینه پژوهش

به طور عمده در منابع متقدم به گونه‌های مختلف درباره ابعاد معنایی یک واژه توضیحاتی آمده است. مثل:

ابوالفضل حبیب بن ابراهیم تفسیری، وجوه قرآن، ترجمه مهدی محقق، چاپ چهارم، بی جا، بنیاد قرآن، ۱۳۶۰

ابن قتیبه، تاویل مشکل القرآن، شرح السید احمد صقر، الطبعة الثانية، ۱۳۹۳ ق

و نیز در برخی منابع متأخر:

قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، ۱۳۷۱ هـ، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم

فقیه دامغانی و عزیز نقاش کریم، قاموس قرآن در وجوه لغات مشترک، تهران، بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۱

اما در مطالعات معاصر: پایان نامه‌ای با عنوان (بررسی معناشناسانه معروف و منکر و حوزه‌های معنایی آن در قرآن) در سال ۹۳ در دانشگاه الزهراء س دفاع شده است.

این پژوهش با طرح این پرسش که معانی و مفاهیم معروف و منکر در کاربردهای قرآنی چیست و چه ارتباطی با دیگر مفاهیم دینی دارند، به مطالعه معناشناسانه معروف و منکر و حوزه‌های معنایی آن در قرآن پرداخته و به این نتایج رسیده که معروف شامل اموری است که با فطرت انسان سازگار و منکر خلاف این می‌باشد و آنچه قرآن و سنت به آن امر فرموده در حوزه معروف و آنچه نهی نموده در حوزه منکر جای می‌گیرد. در این راستا دین و شریعت اصلی‌ترین منابع شناخت معروف و منکر هستند و عقل و فطرت سلیم نیز به عنوان مواهب الهی برای شناخت آن به انسان الهام شده‌اند. ارتباط این دو واژه با دیگر مفاهیم دینی نیز نشان می‌دهد: معروف بر پایه ایمان و منکر بر پایه شرک و نفاق شکل گرفته است و

رفتارهای ایمانی در حوزه معروف و اوامر شیطان، منافقان و فاسقان در حوزه منکر جای می‌گیرند و آن چه موافق با حوزه وحی و در راستای عبودیت باشد معروف و آنچه مخالف با این حوزه و به دور از حق باشد منکر است. پژوهش دیگری در این رابطه یافت نشد.

۱-۱-۲. روش انجام پژوهش

با توجه به موضوع پژوهش مسئله اصلی در آن (بررسی سیر تحول معنایی در قرن ۱۰ تا ۱۵) رویکرد تحلیلی-توصیفی می‌تواند روش مناسبی برای این پژوهش باشد. روش تحلیلی-توصیفی به این معنی است که آیات (معروف و منکر) در منتخب تفاسیر و ترجمه‌های فارسی قرون ۱۰ تا ۱۵ مطالعه شده و تحلیل می‌شوند و در نهایت با یک نگاه کلی و اجمالی سیر تغییر معنایی واژه‌ها مشخص می‌شوند.

۱-۲. مفاهیم پژوهش

در این قسمت ابتدا توضیحاتی در مورد علم معناشناسی و تغییر معنایی ارائه می‌شود.

۱-۲-۱. چیستی «معنا» و «معناشناسی»

«معنا جریانی جهت دار است و قائل شدن معنا برای چیزی، در نظر گرفتن جهتی برای آن است» (شعیری، ۱۳۸۸، ص ۷). «آنچه در معناشناسی، معنا نامیده می‌شود، مصداقی است که در جهان خارج وجود دارد و یا مفهومی است که بر حسب مصداق‌ها، به صورت نوعی تصور در ذهن سخن‌گویان زبان انباشته شده است» (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۲۰). «نظریه‌های معناشناسی، متن یا کلام را مجموعه‌ای معنادار می‌دانند که می‌توان به مطالعه و درک آن پرداخت. راه پیشنهادی معناشناسی برای دستیابی به چنین مجموعه‌های معناداری، در نظر گرفتن ابعاد یا سطوح گوناگون برای متن است» (شعیری، ۱۳۸۸، ص ۶). «معناشناسی در تجزیه و تحلیل کلام، متن را مجموعه‌ای منسجم و معنادار می‌داند و به مطالعه و بررسی تمام وقایعی که در ژرف ساخت نشانه‌های فهم معنا و یا در بین آن‌ها وجود دارد می‌پردازد. بنابراین تحلیل معناشناختی بر این اصل استوار است که متن، محل شکل‌گیری فرآیند معنایی است» (پیشین). «به زبان دیگر، معناشناسی مطالعه علمی معناست و به توصیف پدیده‌های زبانی در چارچوب یک نظام، بدون هر پیش‌انگاری می‌پردازد» (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۲۸).

«بنابراین اگر نشانه‌شناسی^۳، دانش درک معنا و کاربرد شناسی^۴، مطالعه معنا با توجه به گوینده و شنونده باشد، معناشناسی مطالعه انتقال معنا از طریق زبان و مستقل از گوینده و شنونده است» (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۳۵ و ۴۲). به نقل از (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۱۲)

۲-۱. کارکرد و هدف معناشناسی

معناشناسی در خدمت تجزیه و تحلیل گفتمان و کلیدی برای گشایش درهای متن یا کلام است. این علم ابتدا به برش یا تقطیع کلامی متن می‌پردازد و پس از بررسی معناشناختی این قطعات، اتصال آن‌ها به یکدیگر برای دستیابی به کل معنایی را آغاز می‌کند. ویژگی این روش، برخورداری از دقت ویژه در تحلیل متن است؛ چرا که مطالعه خود را به پیکره کلامی محدودی معطوف می‌کند تا بتواند بررسی موشکافانه‌ای انجام دهد. هدف معناشناسی، روشمند کردن مطالعه و بررسی متن یا کلام است، یعنی این علم در پی معرفی راه‌هایی است که با آن بتوان هر نوع متن یا سخن، اعم از کلامی یا غیر کلامی را معرفی کرد (شعیری، ۱۳۸۸، ۴).

«معناشناسی عهده دار مطالعه روابط میان نشانه‌ها از یک طرف و مظاهر ذهنی آن‌ها از طرف دیگر است» (اختیار، ۱۳۴۸، ۵)، و «علاوه بر نشانه‌ها، به بررسی مجموعه‌های معنادار که در برگیرنده نشانه‌های گوناگون هستند می‌پردازد؛ در نتیجه متن و کلام به عنوان مجموعه‌های معنادار اهمیت می‌یابد. از دیدگاه معناشناسی، هر آنچه دریافتنی و درک شدنی باشد متن است. متن مجموعه داده‌ها و پدیده‌هایی است که قابلیت تجزیه و تحلیل شدن دارند، اما کلام فعالیت یا عملیاتی است گفتمانی که به تولید گفته منجر می‌شود» (شعیری، ۱۳۸۸، ۴۱-۴۰).

«علی‌رغم توجه معناشناسی به بررسی رمزها و نظام آن‌ها، حتی خارج از چارچوب زبان، تاکید معناشناسی در میان نظام رمزها بر زبان است. به طور یقین فعالیت کلامی دارای معنای کاملی است و تنها از واژگان شکل نیافته است؛ بلکه پدیده‌های کلامی جمله‌هایی هستند که نشانه‌های آن‌ها به مکث یا وقف و امثال آن مشخص می‌شود. اگر این مسلم باشد، پس معناشناسی متکی بر واژه‌ها نیست، زیرا کلمات تنها واحدهایی هستند که سخنگویان کلامشان را از آن می‌سازند و نمی‌توان هر یک از آن‌ها را پدیده کلامی مستقل و قائم به ذات محسوب نمود» (مختار عمر، ۲۰، ۱۳۸۶-۱۹).

اگر بتوان برای گفتمان معنای ابتدایی و ثانوی قائل شد، معناشناسی در جستجوی معنای ابتدایی و شناساندن آن است. از این دیدگاه، کلام مجموعه منسجمی است که معناشناس،

3Semio- semantic
4pragmatics

کشف انسجام و بررسی آن را به عهده دارد. چنین کشفی ممکن نیست مگر آنکه وی، توجه خود را بر مطالعه فرآیندی متمرکز کند که در آن حیات یا موجودیت کلام رقم می‌خورد؛ این فرآیند همان عمل گفتمان است. اعتقاد به عامل گفتمان به عنوان مرجع معنایی، یعنی اعتقاد به وجودی زنده و حساس که در فرآیند گفتمان تحت تاثیر زیبایی، هیجان، دانسته‌ها و حضور دیگران به فعالیت گفتمانی می‌پردازد، در معناشناسی دیده می‌شود (شعیری، ۵، ۱۳۸۸).

«بنابراین معناشناسی کار کشف ساز و کارهای معنا را با مطالعه‌ای علمی به عهده دارد، معنایی که در پس لایه‌های متن ذخیره شده و هر چه متن پیچیده‌تر، ادبی‌تر و چند لایه‌ای‌تر و درصدد انتقال معانی بیشتر با حجم زبانی کمتر باشد، کار معناشناسی نیز به همان میزان سخت‌تر و پرهیجان‌تر می‌شود و نیاز به قواعد منظم و قانون‌های منسجم، بیشتر رخ می‌نماید» (مطیع، ۳۱، ۱۳۸۷).

«قرآن کریم در عین برخورداری از پیوستگی معنایی (احکام)، ظاهری مشروح و به نظر غیر پیوسته (تفصیل) دارد؛ بدان معنا که جنبه‌های مختلف یک مسئله را در جایگاه‌های متفاوت بیان می‌فرماید. بنابراین دستیابی به مفهوم دقیق یک موضوع از دیدگاه قرآن کریم، نیازمند نگاهی جامع به سرتاسر این کتاب شریف است تا جایی از مسئله مغفول نماند» (همو، ۳۳، ۱۳۸۷). «معناشناسی به عنوان ابزاری برای مطالعه علمی معنا، به توصیف پدیده‌های زبانی در چارچوب یک نظام می‌پردازد» (صفوی، ۲۸، ۱۳۸۷) «و به تمامی عوامل موثر در استنباط معنای صحیح توجه می‌نماید» (همو، ۱۳۸۷، ۳۴).

۳-۲-۱. شاخه‌های معناشناسی

معناشناسی با علوم مختلفی از جمله ریاضی، زبان‌شناسی، فلسفه و منطق ارتباط دارد. از این رو هر علم، از دیدگاهی به معناشناسی می‌نگرد و به همین سبب روش‌های مختلفی در مطالعه معنا ایجاد شده است که این بخش متکفل بیان آن است:

۱-۳-۲-۱. معناشناسی فلسفی؟

«شاخه‌ای از مطالعات فلسفی است که نسبت به معناشناسی منطقی و زبانی از قدمتی بسیار طولانی برخوردار است و حتی به قرن ۴ ق.م و آراء و افکار فلسفی سقراط و افلاطون درباره معنا در رساله‌های سوفیست، کراتیلوس و لاکس باز می‌گردد. سیر تاریخی مطالعات زبان‌شناسی نشان می‌دهد که بررسی‌های فلسفی در این زمینه، در راستای شناخت جهان و کشف ارتباط موجود میان زبان و جهان است و به ماهیت دلالت و چگونگی درک معنا باز می‌گردد» (صفوی، ۱۰۱، ۱۳۸۴).

۲-۳-۱. معنانشناسی منطقی:

بخشی از معنانشناسی صوری است که از معنانشناسی زبان‌های صوری برای مطالعه معنا در زبان‌های طبیعی بهره می‌گیرد و منطق ریاضی بخشی از این نوع معنانشناسی است. معنانشناسان منطقی، زبان را ابزاری برای ارجاع به جهان خارج در نظر می‌گیرند. در این نوع معنانشناسی سعی بر آن است تا با توجه به موقعیت جهان خارج، صدق یا کذب یا به عبارت دقیق‌تر ارزش صدق هر جمله زبان تعیین شود. پیشگامان این روش مطالعه معنا را می‌توان ب. بولزانو، گک. فرگه و ب. راسل دانست. نظریه‌هایی که در معنانشناسی منطقی معرفی شده‌اند، در دو گروه نظریه‌های خرد و کلان قابل طبقه‌بندی است (همان، ۱۰۵).

۳-۳-۱. معنانشناسی زبانی:

«معنانشناسی زبانی بخشی از دانش زبان‌شناسی است که در آن توجه، معطوف به خود زبان است. معنانشناسی زبانی با مطالعه معنا به دنبال کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنا از طریق خود زبان است و در اصل بازنمودهای ذهن آدمی را باز می‌کاود. این شیوه مطالعه معنا را رهیافتی باز نمودی می‌نامند» (صفوی، ۲۸، ۱۳۸۷). «معنانشناسی زبانی بر حسب روش مطالعه معنا در قالب نظری یا کاربردی‌اش، در دو گونه معنانشناسی نظری و کاربردی قابل طبقه‌بندی است. معنانشناسی زبانی معادل واژه فرانسوی «semantic» است» (صفوی، ۹۸، ۱۳۸۴). «در نهایت معنانشناسی زبانی بخشی از دانش زبان‌شناسی است که معنای واژه‌ها، جملات و متون را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد» (خسروی زاده، ۱، ۱۳۷۸).

۴-۲-۱. واحدهای مطالعه معنا

«از میان عناصر گفتار، تکواژ به عنوان کوچک‌ترین واحد معنادار زبان، یکی از واحدهای کار معنانشناسی است» (صفوی، ۳۱، ۱۳۸۷). «اگر چه در بسیاری از موارد، حاصل جمع معنای تکواژها، مفهوم واژه را روشن می‌کند، اما گاه معنای واژه چیزی غیر از مجموع معنای تکواژهاست؛ بنابراین معنانشناسی به واحدی بزرگتر از تکواژ یعنی واژه نیز نیازمند است» (پیشین). «آگدن و ریچاردز معنای یک جمله را ادغام معانی حلقه‌های زنجیره آن می‌دانند (صفوی، ۱۳۶۰، ۱۰۴)؛ اما معنای جملات نیز گاه چیزی غیر از ترکیب معنای واژگان است؛ بنابراین تکواژ، واژه و جمله از واحدهای مطالعه معنا در معنانشناسی در نظر

گرفته می‌شود» (پیشین). «همچنین اصطلاح که توالی تعدادی واژه است که معنای کل آن را نمی‌توان از معنای تک تک واژگان آن بدست آورد، یک واحد معنایی محسوب می‌شود» (پالمر، ۷۸، ۱۳۸۷).

«تحلیل معنا در سطح واژه و جمله هدف اصلی معناشناسی است و تکواژ، واژه و جمله واحدهای مطالعه معنا هستند که نادیده گرفتن هر یک از آنها، در فهم معنا خلل ایجاد مینماید» (صفوی، ۱۳۸۷، ۳۴). به نقل از (حسینی، ۱۳۹۰، صص ۱۳-۱۵)

۵-۲-۱. تغییر معنایی

از مباحث مهم دانش معناشناسی، مطالعه‌ی در زمانی حوزه‌های معنایی است، یعنی مطالعه‌ی رابطه‌ی میان واحدهای معنایی هم حوزه می‌تواند از دو دیدگاه در زمانی و همزمانی صورت پذیرد. افزایش یا کاهش واحدهای هم حوزه در طول زمان، سبب تغییر ارزش واحدهای یک نظام معنایی می‌گردد که می‌تواند از منظر در زمانی مورد مطالعه قرار گیرد. لذا مطالعه‌ی در زمانی حوزه‌های معنایی این امکان را فراهم می‌آورد که بتوان به نوعی معناشناسی تاریخی دست یافت و تحول مفهوم واحدهای هم حوزه را در طول زمان مورد بررسی قرار داد. (سیدی، ۱۳۹۰، ص ۴۰)

۱-۲-۵-۱. انواع تغییر معنایی

در این قسمت به بیان برخی از انواع تغییر معنایی در واژه‌ها می‌پردازیم:

الف) گسترش معنایی: یعنی حوزه‌ی معنایی و کاربردی واژه گسترده می‌گردد. برای نمونه می‌توان افزایش معنایی واژه "کفر" را در زبان قرآن مثال زد. کفر در زبان و فرهنگ عربی پیش از وحی به معنای ناسپاسی است که معنی غیر دینی است. اما با نزول وحی، کفر در نظام معنایی قرآن دچار افزایش معنایی شده و معنای "بی ایمانی" نیز به معنای پیشین آن افزوده می‌شود.

ب) کاهش یا تخصیص معنایی: یعنی کاسته شدن و محدودیت حوزه‌ی کاربرد واژه. مثلاً واژه "صله" در فرهنگ و زبان جاهلی به معنای مطلق هر گونه ذکر و دعاست، اما بعد از نزول وحی و در فرهنگ اسلامی دایره مدلول محدود می‌شود و صرفاً بر مجموعه‌ای از افعال و اذکار مشخص اطلاق می‌شود.

ج) تغییر مدلول: نوعی از تغییر معنایی است که عبارت است از ادامه زندگی یک لفظ یا دال در شرایطی که معنی یا مدلول آن به شیوه‌های مادی یا معنوی (یعنی بر حسب برداشتی

که از آن می شود) تغییر می یابد. مثلاً "تقوی" این کلمه در جاهلیت واژه‌ای بسیار معمولی بود و به معنی ایستار دفاعی موجود زنده "جانور یا انسان" در برابر نیروی خارجی مخرب به کار می رفت. در قرآن به عنوان یکی از کلمات کلیدی برجسته اهمیت فراوان پیدا کرد و معنای زهد و پارسایی خالص و محض یافت. (ایزوتسو، ۱۳۷۳، ص ۸۴)

۲-۵-۲-۱. علل تغییر معنا

از نظر بلائیک، عامل تغییر معنا می تواند یکی از عوامل زیر باشد:

۱. نوآوری و نیاز جامعه به ایجاد مفهوم جدید و در نتیجه واژه‌ی جدید. این نوآوری می تواند به دو صورت گوینده بنیاد یا شنونده بنیاد باشد. گوینده به عللی چون اقتصاد زبانی و یا قیاس دست به نوآوری می زند. در روش شنونده بنیاد، تغییر معنایی به این علت است که گوینده می خواهد شنونده مقصود او را به خوبی درک کند و کارآیی ارتباط بهتر شود، بنابراین به دلایلی چون پرهیز از ابهام و چند معنایی و کاربرد روشن تر واژه‌های پیچیده دست به نوآوری می زند.

۲. بیان مفاهیم انتزاعی به کمک مجاز یا استعاره.

۳. تحولات اجتماعی - فرهنگی که موجب ایجاد مفاهیم جدید و در نتیجه واژه‌های جدید می شوند.

۴. وجود معنای نامتعارف واژگانی: واژگانی که معانی آنها تا حدی در آن گروه واژگانی که به آن تعلق دارند نامتعارف است، باعث تغییر معنایی می شوند.

از مجموع مطالب گفته شده می توان نتیجه گرفت که عوامل تغییرات معنایی را می توان به دو دسته‌ی کلی: عوامل درون زبانی و غیر زبانی مثل تغییرات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تقسیم کرد. (سیدی، ۱۳۹۰، ص ۴۸)

۳-۱-۳. معنی لغوی و اصطلاحی معروف

شناخت دقیق مفاهیم و واژه‌ها در تبیین و توضیح مطلب نقشی بنیادین دارد. از این رو پیش تر از آن که به مباحث تفصیلی موضوع پردازد معانی لغوی واژه‌هایی را که پیوند تنگاتنگ با بحث دارند، بررسی می نماید. صدر الدین شیرازی برای بیان رابطه‌ی مفاهیم اجتماعی، اخلاقی و معنوی با لغت می گوید: اختراع لغت از بزرگترین عجایب و خواص وجود انسان است. «آدمی به جهت نوع زیستش، نیازمند